

متن پرسش

سلام علیکم و عرض ادب: بنده در حال مطالعه کتاب «چگونگی فعلیت یافتن باورهای دینی» هستم، فرمودید حرکت ویژگی عالم ماده است و زمان نیز از حرکت فهم می‌شود و اگر انسان بخواهد راهی به مراتب قرب و رشد و کمال بیابد باید از قید زمان آزاد شود. اینکه می‌گویند آدم حسود اولین ضربه را به ایمان خود می‌زند به این دلیل است که دائماً حسرت گذشته را می‌خورد و نگران آینده است. و راهش رها کردن خود از بند زمان گذشته و آینده و نظر به اکنونیت و حضور خویش در کران هستی است. سؤال این است که چگونه برخی می‌گویند همانطور که انسان ها و اشیاء طبیعی نشان دهنده وجهی و وصفی از وجوه و اوصاف خداوند متعال هستند، ماه ها و روزها و قطعات زمان نیز همین‌گونه اند. اگر زمان معنایی در عالم ملکوت ندارد و آنچه هست بی زمانی و بی مکانی است و حضور است و حضور است و حضور چگونه این با بیان قبل جمع می‌شود؟ اینکه برخی ماه ها و روزها قوت و شدت و ظهورشان بیشتر از بقیه ماه هاست، حال آنکه اصلاً زمان در عالم غیرماده معنا ندارد، این بیان و اشاره به قطعه ای از زمان دقیقاً چه معنایی دارد؟ آیا از باب تسامح است؟ آیا اینکه گفته اند از دست رفتن فرصت رجب و شعبان و رمضان موجب افسوس و حسرت آدمی است و باید منتظر سال بعد باشد که از دست ندهد. منافات ندارد با رهاشدن از بند زمان و حسرت گذشته و آینده را نخوردن؟ معنای زمان چیست؟ بی زمانی و بی مکانی عالم مجردات چیست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. در «برهان صدیقین» و «برهان حرکت جوهری» روشن می‌شود که بعضی صفات، ریشه در مرتبه وجودی نازله آن‌ها دارد مانند شوری در نمک، که به جهت مرتبه نازله وجود است در این مرتبه. و در مرتبه بالاتر وجود، این شوری وجود ندارد. و در این رابطه هر جا حرکت هست، زمان مطرح است و در مرتبه عالی وجود، حرکت، معنا ندارد تا زمان، معنا پیدا کند. ۲. در این که مراتب پایین وجود از جمله زمان، ظرفیت‌های متفاوتی در ظهور انوار الهی دارند اخیراً عرایضی در مقدمه بحث «ماه رجب و اخلاص و درک امکانات تاریخی» در این مورد شد. خوب است که به آن بحث رجوع فرمایید. موفق باشید

https://cdn.lobolmizan.ir/uploads/ayam/rajab/speech/Twt_mahe_rajab_va_ekhl as_va_darke_emkanat.MP3

